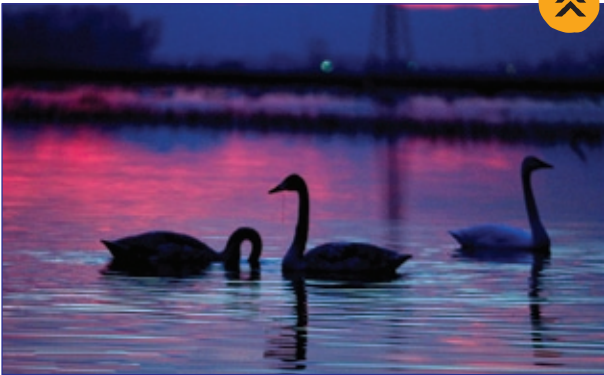




فیلمبردار یک مسابقه فوتبال در آمریکا، به مناسبت کریسمس، لباس پاپائوئل پوشیده است! عکس از آژانس عکس اروپا

مهاجرت قوها به تالاب «سرخود» مازندران در اوایل زمستان، عکس از خبرگزاری میزان



زلزله در جنوب شیلی، عکس از خبرگزاری رویترز

دنیانه روایت تصویر

- در محضر بزرگان

قدم اول سلوک، ترک معصیت است



استاد فاطمی نیا نکته‌ای جالب در بساره نقش خوش خلقی در خانواده گفته‌اند که خوانندگی است: این همه در اینترنت و کتاب‌ها می‌گردد دنبال این که آقای قاضی چی گفته؟ آقای بهجت چی گفته؟ این همه این در و آن در می‌زنی، چی شد آخر؟ تو هنوز جواب مادرت را تلخ می‌دهی! هنوز قلبت بلد نیست خوبی‌ها را حس کند، نیکی‌ها را دریافت کند و فقط اشکال و ایرادها را زود چسمت می‌بیند، نگاهت را کنترل نمی‌کنی! خانم! حجابت را حاضر نیستی کامل کنی، می‌خواهی بشی سالک؟ بنده خدا؟ قدم اول ترک معصیت است، به اندازه خودت، نمی‌گویم معصوم شوی ولی تلاش کن. در خانواده خوب رفتار کنید که همسرانتان مشتاق شما باشند، اخلاقیاتتان را رویش کار می‌اندازد! خود ملا حسینقلی همدانی از قبر بیرون بیاید و بشود مرشدت، ولی عاقی والدین باشی، یا ترک معصیت نکرده باشی، به جایی نمی‌رسی، حواست باشد. نگاه نامحرم تبری است که انسان را به زمین می‌زند و سخت بشود که بلند شوی. اگر اول و قبل از هر چیز، معصیتت را ترک نکنی، بقیه کارهایت بیهوده است.

- ریشه ضرب المثل

سوسه‌آمدن

سوسه‌آمدن امروزه به معنای «زیر آب کسی را زدن» و مناقضانه رفتار کردن است. اصل این اصطلاح از کلمه «سوسه» می‌آید که در فرهنگ فارسی، به معنی آفت یا شیش و کرم گندم یا هر نوع آفت است. گویا در زمان قدیم وقتی تاجران گندم با هم معامله می‌کردند، این نکته که بار گندم «بی‌سوسه» باشد یکی از شرایط معامله بوده است. اصطلاح معامله بی‌سوسه به تدریج در معنای معامله بی‌غل‌وغش در دیگر بخش‌های تجارت رایج می‌شود. در نهایت «سوسه‌آمدن» به معنای پیش‌گفته، از همین اصطلاح ساخته و با کمی تحول در معنا متداول می‌شود.

- کاریکلماتور



- بریده‌ها

مادر

پدر گفت: «مادرت به آسمان‌ها رفته». عمه گفت: «مادرت به یک سفر دور و دراز رفته». خاله گفت: «مادرت آن ستاره پر نور کنار ماه است». دختر بچه گفت: «مادرم زیر خاک رفته است». عمه گفت: «آفرین، چه بچه واقع‌بینی، چقدر سریع با مسئله کنار آمد». دختر بچه از فردای دفن مادرش، هر روز پدرش را وادار می‌کرد او را سر قبر مادرش ببرد. آنجا ابتدا خاک گور را صاف می‌کرد، بعد آن را آب‌پاشی می‌کرد و کمی با مادرش حرف می‌زد. هفته سوم، وقتی آب را روی قبر مادرش می‌ریخت، به پدرش گفت: «پس چرا مادرم سبز نمی‌شود؟» برگرفته از کتاب «بازی عروس و داماد» اثر بلقیس سلیمانی

- یادش بخیر



نویسنده: سیدمصطفی صابری

- اندک صبر

جاده‌های دلتنگ

دلتنگم مثل جاده‌ای که تپش کفش‌هایت را چشم به راه است...

شبنه طهماسبی

- دور دنیا

رکورددار بزرگ‌ترین لقمه دنیا!



رکورددار شد! او توانست با یک گاز ۸/۸ سانتی متری ر رکورد بزرگ‌ترین لقمه دنیا را به نام خودش ثبت کند! البته این رکورد قبلاً ثبت شده بود و او توانست ۴ میلی متر، آن را ارتقا دهد! برای آن که بداند ثبت این رکورد چقدر سخت است، سعی کنید دهان خود را به اندازه‌ای باز کنید که ۸/۸ سانتی متر، فاصله لب‌های بالا و پایین شما بشود!

گریه‌بخت برگشته!



اسکای نیوز/ «هیدی» گریه‌خانی و ساکنی خانه‌ای در شهر «سن‌پترزبورگ» روسیه که بیماری عجیبش باعث شده بود تا موهایش رشد وحشتناکی داشته باشد، در حالی در خانه چند سالمند پیدا شد که از شدت سنگینی موهای روی بدنش، نمی‌توانست حرکت کند! صاحبان این گریه‌که هر دو آلزایمر داشتند مدت‌ها بود که اصلاً یادشان رفته بود که گریه‌ای هم دارند برای همین هم، گریه‌بخت برگشته با موهای دو کیلوگرمی‌اش به سختی زندگی می‌کرد تا این که توسط نیروهای امداد حیوانات نجات پیدا کرد!

دستکش مخصوص عشاق!



تاکسل/ در هوای سرد و برفی تنها راه چاره برای این‌که دستانتان یخ نکند استفاده از دستکش است. «فرانزیسکا هالزمن» با این شعار که «اجازه ندهید هوای سرد، دست شما را از دست همسران جدا کند!» توانسته است ایده دستکشی

دو نفره‌اش را به بازار ارائه کند و البته فروش قابل توجهی هم از این محصول داشته باشد! یک جفت این دستکش‌های جالب، معمولی هستند یک جفت دیگر، دو نفره است. فرانزیسکا، این دستکش‌های گران قیمت ۳۰۰ دلاری را به رنگ قرمز تولید کرده است که وقتی هر دو دست در آن جای بگیرد شبیه قلب می‌شود.

- سفرنامه

یادگاری هالیوودی، ساخت چین

منصور ضابطیان، مجری سابق برنامه رادیو هفت در سفرنامه‌اش خاطره‌ای جالب و خواندنی درباره قدم زدن در بولوار «هالیوود» لس آنجلس نوشته است: هر یک از ستارگان هالیوود در عرصه سینما و موسیقی، یک ستاره اختصاصی روی سنگفرش خیابان دارند. از گریفیث تا نیکول کیدمن، از کلیف ریچارد تا ربکی مارتین. داشتن ستاره‌ای بر سنگفرش هالیوود، نهایت آرزوی یک آرتیست هالیوودی است. توریست‌ها هم در به در دنبال پیدا کردن ستاره هنرمند محبوب‌شان روی سنگفرش‌ها هستند که البته کار چندان ساده‌ای هم نیست. به همین خاطر نقشه‌هایی به فروش می‌روند که جای دقیق ستاره‌های روی زمین در آن مشخص شده و نقشه‌های دیگری هم هستند که محل دقیق خانه ستاره‌های سینما و چهره‌های دنیای موسیقی را نشان می‌دهد. حتی تورهای اختصاصی هستند که با گرفتن ۴۰-۵۰ دلار، علاقه‌مندان را به گردش در منطقه می‌برند و خانه هنرمندان را یک به یک به آن‌ها نشان می‌دهند. خیابان هالیوود پر است از فروشگاه‌هایی که یادگاری‌هایی مربوط به هالیوود را می‌فروشند. اجناسی که نشانه هالیوود هستند، اما پشت همه آن‌ها نوشته شده: «ساخت چین!» در حاشیه خیابان، آدم‌هایی خود را به شکل اسطوره‌ها و بازیگران سینما درآورده‌اند: چارلی چاپلین، مریلین مونرو، جانی دپ، الویس پریسلی، پل مک کارتنی و حتی سوپرمن، شرک و مرد عنکبوتی. می‌توانید یکی دو دلار به آن‌ها بدهید و عکسی به یادگار بگیرید. مهم‌ترین نقطه در مرکز خیابان هالیوود، سالن مجلل و بی نظیر Kodak theater است، جایی که هر ساله مراسم اسکار در آن برگزار می‌شود.



- دی روزنامه

اصل آبگوشتی

یکی از اصول مدیریتی نوین که متأسفانه هنوز به تأیید کارشناسان رسمی نرسیده و جایی ثبت نشده، ولی خیلی پرطرفدار است، اصل «من نبودم، دستم بود» است! یعنی کافی است ما از بعضی مدیران که با این اصل آشنا هستند بپرسیم «چرا؟...» نمی‌گذارند حتی کلام‌مان منعقد شود و می‌گویند: «زیرا تقصیر فلانی است! بعد تا بپرسیم: «پس چرا؟...» فوری می‌گویند: «این هم زیراتقصیر بهمانی است! همین‌طور ما ادامه بدهیم او هم ادامه می‌دهد تا وقت کنفرانس خبری تمام شود و برویم بی کارمان! البته گاهی هم مدیران از این اصل به صورت ناخواسته و ناخودآگاه، استفاده می‌کنند که خوب، دست خودشان نیست دیگر. مثلاً رئیس اتحادیه دامداران تهران درباره افزایش قیمت گوشت قرمز گفته: «تعداد قصابی‌ها در سطح شهر زیاد است در نتیجه فروش هر کدام از این مغازه‌داران زیاد نیست. لذا برای پوشش هزینه‌ها، حاشیه سود خود را افزایش می‌دهند.» الان دقیقاً متوجه شدید چی زیاد است که باعث بالا رفتن چی شده که چی افزایش یابد؟ این دو جمله علاوه بر اصول مدیریتی، بنیان‌های اقتصاد خرد و کلان را هم با خاک یکسان کرد و قانون عرضه و تقاضا و رقابت و همه این چیزها را سوسول‌بازی بیش ندانست! یعنی قیمت دام زنده، نرخ‌گذاری دامدار، واردات و صادرات، سود دلال، سود قصاب، هزینه‌های متفرقه و حتی نظارت دستگاه‌ها هیچ تأثیری در قیمت گوشت نداشته و فقط تعداد زیاد قصابی‌ها در سطح شهر باعث شده است با چشم و همچشمی یکدیگر گوشت گران به خوردمان بدهند! اصلاً ما تا حالا اشتباه می‌کردیم که وقتی چیزی می‌خواستیم می‌رفتیم بازارش و جایی که به اصطلاح «بورس» باشد. از این به بعد اگر کشش می‌خواهیم باید برویم یک کفایش پیدا کنیم که در شعاع صد کیلومتری‌اش کشش فروشی که هیچ، پرنده هم پر نرزد تا بتوانیم ارزان‌ترین کشش شهر را بخریم! یا حتی اگر بنییر بخواهیم هم باید بگردیم یک بقالی در زیرپله‌س کوچه‌ای پیدا کنیم که در کنارش هیچ سوپرمارکت و هایپرمارکت و مرکز خریدی نباشد تا بتوانیم پشیر مفت بخریم! واقعا حیف است این اصول مدیریتی نادیده گرفته شود و در کتاب‌های آموزشی گنجانده نشود و تمام مدیران جهان از آن بی‌بهره بمانند! وقتی به این راحتی می‌شود توپ که هیچ، تانک و مسلسل و تیر دروازه و داور و هر چی که هست را در زمین دیگران انداخت و با خیال راحت به صندلی مدیریت تکیه داد!

- زوم



طبیعت کوهستانی «بازفت» در استان چهارمحال و بختیاری، عکس از ناصر درخشان



نقطه

- رادیوالان

هجوم ارواح، اجنه و فضایی‌ها به زمین در شب امتحان!

سلام و خدا قوت، فصل امتحانات از راهرسید تا دوباره شاهد عجایبی باشیم که اگه به چشم خودمون ندیده بودیم محال بود باورشون کنیم، عجایبی مثل:

* شب امتحان میزگردهای شبکه چهار به طرز عجیبی جذاب می‌شه و آدم از خودش می‌پرسه چرا تا الان شبکه چهار رو ندیدم! بعد از میزگرد هم که مشاعره پخش می‌شه! اصلاً لحن شعر خوندن شرکت‌کنندگان تو برنامه مشاعره به جوریه که عضلات چشم منقبض می‌شه! فشار آدم می‌افته و آدم به خواب عمیقی فرو میره!

* می‌شه ادعا کرد که فیفا با هدف این که جوون‌های ایرانی امتحاناتشون رو خراب کنن جذاب‌ترین بازی‌های لیگ قهرمانان و حتی سوپر جام اتریش و لیگ برتر کامبوج رو میندازه شب امتحانات ما! از اون بدتر این که بازی‌های هاکی شبکه ورزش هم جذاب می‌شه! اصلاً خیلی‌ها همون جا با دیدن مسابقات هاکی تصمیم می‌گیرن به جای امتحان دادن از دانشگاه انصراف بدن و برن کانادا بازیکن هاکی بشن!

* یکی دیگه از برنامه‌های جذاب شب‌های امتحانات سریال «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» می‌باشد! همیشه شب امتحان هم اون برنامه‌اش پخش می‌شه که طرف شب امتحان به جای درس خوندن تلویزیون نگاه می‌کنه و اونقدر دل‌میدران صدا و سیما شاد می‌شه از این ماجرا که با دعای خیر اون‌ها طرف فردا امتحانشون رو ۲۰ می‌گیره!

* اما جوانان ایرانی به طرز عجیبی در شب امتحان علاقه دارن نون بگیرن یا تو کارهای منزل به مامانشون کمک کنن!

* و البته اگه درس بخونن و سلسلش در حد ده دقیقه زنگ تفریح می‌ذارن و تو همون ۱۰ دقیقه، ۱۰ تا کانال تلگرامی رو چک می‌کنن و ۱۰ اینیوزد سریال خارجی می‌بینن و ۱۰ تا عکس هم روی اینستاگرام می‌ذارن از قلمی که روی کتاب است و استکان چای کنار هر دوی آن‌ها با شعری از سهراب شایبد هم‌رستم و بعدش که به خودشون میان می‌بینن به جای ۱۰ دقیقه چند ساعت تو زنگ تفریح بودن و صبح شده باید برن امتحان!

* و از دیگر عجایب امتحانات می‌توان از نامه‌ها و رنج‌نامه‌هایی یاد کرد که دانشجویان عزیز زیر برگه‌ها برای استاد می‌نویسن و گویای اینه که همگی شب قبل دچار گزیدگی توسط عقرب، گاز گرفتگی توسط پنگونگ قطبلی! عمل قلب باز، فوت ناگهانی بیشتر اعضای خانواده، برخورد ساعقه با کتاب جزوه درسی و نبود منبع برای خوندن... و... شدن و گرنه همگی اهل درس خوندن هستن!

سید مصطفی صابری

- قصارزاده



نویسنده: سیدمصطفی صابری، تصویر ساز: سعیدمرادی

- ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* ای کاش در پرونده‌نان، تصاویر انواع‌ان‌رو هم می‌داشتین. چرا که هنوز تو خونه ما، سر تاقشون و بربری دعواست که کدام کداهه!

* شما که به حق دغدغه درست نوشتن زبان فارسی را دارید بهتر نیست که از خودنتان شروع کنید؟ حداقل به جای «انگلیش‌آموزی» در «همشهری سلام» پارسی‌آموزی چاپ کنید.

* تو ستون «دزمان خانگی مسمومیت» صفحه «سلامت» منظور از لیمو کدام است؟ شیرین یا ترش؟
* ماوشما: منظور لیمو ترش هستش.
* «زندگی سلام» بابت ستون «دنیا به روایت تصویر» دیروز سیاسی: زیبا بودن و دلنشین.
* همسر عزیزم عاطفه جان، ۷ دی سالگرد ازدواجمون رو بهت تبریک میگم و ممنون به خاطر همه خوبی‌هایت برای زندگیمون.
رضا، مشهد